

راهکارهای مواجهه به بحران های اقتصادی با محوریت قران کریم

چکیده

قران کریم، معجزه جاویدان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و بیانگر همه اموری است که به هدایت بشر در ساحت های گوناگون مربوط می شود. عرصه های اقتصادی نیز از این قاعده مستثنی نیست و این کتاب الهی به تبیین اصول و کلیاتی در حوزه اقتصاد هم پرداخته و به طور خاص راهکارهای متنوع و جامعی در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی در راستای رفع مشکلات اقتصادی ارائه نموده است.

بر این اساس، نگارنده با تأمل و اندیشه دقیق در آیات قران کریم و تفاسیر ارائه شده، در قالب تحقیقی علمی و بنیادی و با روش نقلی و وحیانی، به تبیین اصول اعتقادی حاکم بر اقتصاد و ارائه ی راهکارهای اخلاقی-رفتاری پرداخته است.

بر اساس یافته های این پژوهش، قران کریم در حیطه ی اقتصاد در بردارنده اصول و اندیشه های نظام مندی مانند خداباوری، اعتقاد به عدالت، باور داشت معاد، ایمان به سنت های الهی و اعتقاد به رزاقیات خدای رحمان می باشد که در آیات متعدد و به صورت عملیاتی از این جریان اعتقادی به عنوان مهم ترین راهکارهای اعتقادی رفع موانع و بستر سازی برای پیشرفت و رشد اقتصادی یاد کرده است. علاوه بر این موارد در حوزه ی اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی نیز به طور گسترده راهکارهای ارزشی و اجرایی ارائه داده است که مهم ترین آن ها از این قرارند: نظارت مستمر زهبران صالح، میانه روی و قناعت و پرهیز از روحیه تجاوزگری و قانون گریزی، تقویت روحیه ی انفاق و احسان، گردش سالم ثروت و ترک ربا خواری، اعتماد به منابع داخلی و قطع واردات، شکر همه جانبه و دوری از کفران نعمت، پرداخت خمس، پرداخت زکات و کفارات شرعی.

واژگان کلیدی: اصول اعتقادی اقتصاد، راهکارهای اعتقادی، راهکارهای اخلاقی-رفتاری.

رشد و پیشرفت اقتصادی در کنار سالم سازی فعالیت ها و مقابله با مفاسد از یک سو و ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی و برخورداری همه موارد از رفاه نسبی از سوی دیگر، از مهم ترین دغدغه های عصر حاضر در بیشتر جوامع است. متأسفانه بسیاری از جوامع اسلامی، کم و بیش با مشکلات ناشی از فقر، عقب ماندگی و توزیع نابرابر امکانات، مواجه هستند، در حالی که کمترین عناصر رشد و توسعه اقتصادی و موثرترین شیوه های سالم سازی فعالیت ها و گسترش عدالت اجتماعی - اقتصادی، در آموزه های اسلامی، به روشنی و فراوانی بیان شده است، به گونه ای که توجه به آن در برنامه ریزی های اقتصادی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی، به درستی می تواند تمدن شکوهمند اسلامی را احیا کند و رفاه و آسایش همگانی را ارزانی دارد.

آرمان آموزه های اسلامی، فراهم سازی سعادت دنیایی و آخرتی انسان است، از این رو جامعه اسلامی از یک سو اقتصادی پویا و رشد یافته، نیازمند است، تا نیازهای افراد و رفاه نسبی آنان فراهم سازد و از سوی دیگر نیازمند تحکیم و تقویت ارزش های اعتقادی است تا با سالم سازی فعالیت ها و مقابله با مفاسد اقتصادی، سعادت آخرتی افراد را به ارمغان آورد، به ویژه آن که رشد مطلوب اقتصاد و تحکیم ارزش های دینی، تأثیری متقابل بر یکدیگر دارد.

بر این اساس، آموزه ها و عناصر فراوانی در قران کریم و روایات، ارائه گردیده که هم دارای کارکردهای مثبت اقتصادی است، هم از اثرات روحی و مغزی برخوردار است، تا از این طریق، رفاه مادی و سعادت ابدی انسان، تأمین گردد.

این مقاله، با بهره گیری از آیات قران، افزون بر تبیین نقش اصول اعتقادی در اقتصاد و رفتارهای اقتصادی، بر آن است تا به مهم ترین راهکارهای اعتقادی و اخلاقی - رفتاری قران کریم برای رسیدن به اقتصادی پویا بپردازد. بدین منظور، سعی می شود با بهره گیری از روش تفسیر موضوعی و ضمن تعامل در آیات اقتصادی قران و با استفاده از کتب تفسیری و بهره مندی از آثار مرتبط اندیشمندان اقتصاد اسلامی، به موارد پیش گفته تبیین گردند. ضرورت پرداختن به تحقیق، از آن جهت است که با وجود آثار علمی عدیده در زمینه مباحث اقتصادی قران و ضمن احترام وافر به همه پژوهش گران این عرصه، پرداختن به نقش اصول اعتقادی در اقتصاد و رفتارهای اقتصادی و تحلیل اصول قرانی حاکم بر ساحت های اصلی اقتصاد، در آثار علمی موجود، به صورت ویژه و نظام مند، کمتر مورد توجه بوده است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱ معنا شناسی اقتصاد و اقتصاد اسلامی

واژه «اقتصاد» از ماده «قصد» به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بوده^۱ و در معانی مرتبط دیگری چون عدل و میانه‌روی، حد وسط میان اسراف و تقتیر، استقامت و پایداری در مسیر نیز به کار رفته است.^{۲۳۴}

معادل لاتینی واژه «اقتصاد» در معنای رایج کنونی، (Economy) بوده که آن را برگرفته از دو واژه یونانی کهن (Oikos) به معنای خانه و (Nemein) به معنای اراده کردن دانسته‌اند^۵ و اکنون یکی از رشته‌های علوم اجتماعی به شمار می‌رود که در رابطه با رفتارهای گوناگون انسانی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و تفسیر واقعیات ظاهری مرتبط با این فعالیت‌ها بحث می‌کند^۶ و به بررسی رفتارهای مالی و غیر مالی بشری در زمینه تولید کالاها و خدمات از منابع کمیاب و توزیع آن‌ها بین افراد و گروه‌های جامعه برای مصرف در زمان حال یا آینده می‌پردازد.^۷

اما اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی است که به عنوان بستر و زیربنای نظام اقتصادی تلقی شده و غایاتی که دین در زمینه اقتصاد برای انسان ترسیم کرده است.^۸ و فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، توزیع و مصرف را اقتصاد گویند. در این میان دین مبین اسلام دیدگاه خاص و ویژه‌ای به مقوله اقتصاد دارد که از آن تعبیر به اقتصاد اسلامی می‌شود.

۱-۲ کاربرد مشتقات قصد در قرآن

مشتقات ریشه «قصد» در قرآن در معنای لغوی آن به کار رفته و ناظر به مفهوم جدید «اقتصاد» نیست، چنان‌که آیات: «... مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ»^۹ به معنای معتدل در عمل^{۱۰}، «...فَلَمَّا

^۱ مصطفوی، حسن، التحقیق، ج ۹، ص ۲۶۹، «قصد».

^۲ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۲، ص ۵۲۴-۵۲۵.

^۳ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۳.

^۴ مصطفوی، حسن، التحقیق، ج ۹، ص ۲۶۹.

^۵ لویس فیهیر، خودآموز اقتصاد، ص ۸.

^۶ اصلاحي، عبد العظیم، مبادئ النظام الاقتصادي الاسلامي، ص ۱۳.

^۷ تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، ج ۱، ص ۳۶.

^۸ هادوی، مهدوی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۵.

^۹ مائده، سوره ۵، آیه ۶۶.

^{۱۰} طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۷۹.

نَجَّهَهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ...»^۱ به معنای متمایل به طریق مستقیم^۲ یا میانه‌رو در ظلم و کفر^۳، «...فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَتِ...»^۴ به معنای میانه‌رو^۵ یا درآمیخته عمل صالح و ناپسند^۶، «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَا تَبْعُوكَ...»^۷ به معنای مسیری آسان و نزدیک^۸ و «واقصد فی مشیک»^۹ و اغضض من صوتک...»^{۱۰} به معنای اعتدال در مشی^{۱۱} یا راه رفتن همراه با طمأنینه^{۱۲} آمده است.

۱-۳ تعریف مکتب اقتصادی

«مکتب اقتصادی» بر خلاف «علم اقتصاد» که متصدی تفسیر واقع است، حکایت از روش و هنجاری اجتماعی دارد^{۱۳} و به مجموعه‌ای از مبانی و اهدافی گفته می‌شود که جامعه ترجیح می‌دهد بر مبنای آن زندگی اقتصادی خویش را اداره کرده و مشکلات عملی خود را حل کند.^{۱۴ ۱۳}

در این میان مکتب اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی است که به عنوان بستر و زیربنای نظام اقتصادی تلقی شده و غایاتی که دین در زمینه اقتصاد برای انسان ترسیم کرده است.^{۱۵}

۱-۴ تأثیر جهان‌بینی و اخلاق بر نظام اقتصادی

چون مفاهیمی مانند ثروت و رفاه و دیگر مفاهیم اقتصادی به انسان و تفسیری که از او ارائه می‌شود و جایگاه او در نظام آفرینش پیوند دارد، جهان‌بینی اسلامی بر نظام اقتصادی اسلام تأثیر گذار است. در این میان نقش گسترده و تعیین کننده اخلاق در اهداف و جهت‌گیری‌های اقتصادی جامعه و مقررات و قواعد مرتبط با آن‌ها، مکتب اقتصادی اسلام را متمایز ساخته است.^{۱۶ ۱۷}

^۱ لقمان/سوره ۳۱، آیه ۳۲.

^۲ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۹۵.

^۳ زمخشری، محمود بن محمد، الکشاف، ج ۳، ص ۵۰۳.

^۴ فاطر/سوره ۳۵، آیه ۳۲.

^۵ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۴۵.

^۶ زمخشری، محمود بن محمد، الکشاف، ج ۳، ص ۶۱۲.

^۷ توبه/سوره ۹، آیه ۴۲.

^۸ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۰.

^۹ لقمان/سوره ۳۱، آیه ۱۹.

^{۱۰} مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۰۸، «قص».

^{۱۱} طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۸۸.

^{۱۲} صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، ص ۳۶۳.

^{۱۳} همان، ص ۳۶۲-۳۶۳.

^{۱۴} هادوی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۳۱.

^{۱۵} همان، ص ۴۵.

^{۱۶} اصلاحی، عبد العظیم، مبادی النظام الاقتصادي الاسلامی، ص ۵۱.

^{۱۷} حسنی، محمد نصر، قضایا اشکالیه فی الفكر الاسلامی، ص ۳۰۴.

اسلام به عامل روحی و اخلاقی در خلال روشی که برای رسیدن به هدف خود بر می‌گزیند، توجه فراوانی کرده و همان‌گونه که نظام زکات را ابزاری در راستای تأمین اجتماعی قرار داده آن را فریضه‌ای شرعی نیز می‌داند که در جهت وصول به قرب الهی و کسب پاداش اخروی قرار دارد؛^۱ هم‌چنین لزوم هم‌بستگی اجتماعی میان مسلمانان و هم‌یاری متقابل بین ایشان، رقابت در حداکثر سازی سود و منفعت مادی را کم‌رنگ می‌سازد. اقتصاد اسلامی با گزاره‌های اخلاقی و ارزشی خود سعی در تغییر واقع و نه کشف آن دارد، از این رو علم اقتصاد در جامعه اسلامی ممکن است الگوهای متفاوتی نسبت به جوامع غیر اسلامی بیابد.^{۲ ۳}

۲- اصول اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم

از منظر قرآن کریم، اقتصاد سالم و رشدیابنده مبتنی بر اصول ذیل است: شناخت و تدبیر امور اقتصادی از راه تفقه، تعقل، اعتقاد به توحید (تجلی توحید در اقتصاد)، اعتقاد به معاد، اعتقاد به مظهری از عبودیت بودن عملیات اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد، عدالت در عملیات اقتصادی و تزکیه.

اهمیت بررسی متفکرانه آیات قرآن کریم همراه با بهره‌گیری از حاصل تدبیرات اندیشمندان در آن، و به ویژه استفاده از افادات اهل بیت وحی علیهم السلام در این خصوص، بر نظریه پردازان اسلام شناس و بصیر در علوم انسانی پوشیده نیست. به همین دلیل، مباحث مبنایی اقتصاد از دیدگاه آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرند.^۴

۲- اتفه در احکام اقتصادی

در آیات بسیاری از قرآن کریم رهنمودهای جزئی و مشخصی در مسائل اقتصادی وجود دارد که در این مجال به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم :

- «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا»^۵؛ خدا بیع را حلال کرده است و ربا را حرام.

- «أوفوا بالعقود»^۶؛ به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید.

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»^۱؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.

^۱ همان، ص ۳۱۰-۳۱۱.

^۲ صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، ص ۳۱۱-۳۱۵.

^۳ هادوی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلامی، ص ۴۹-۵۰.

^۴ جعفر انصاری، معرفت ۱۳۸۲ شماره ۶۶.

^۵ بقره/۲۷۵.

^۶ مائده/۱.

اذن به معنای اعلان است، اما باب تفعل موجب می‌شود که این اسم خیلی گویاتر و واضح‌تر و قطعی‌تر بیان شود سپس بحث این اعلام با این تعبیر بیان شده است = لئن شکر تم لا زیدکم....

علامه طباطبایی می‌فرماید = خدای متعال در چند جا گفته که شکر نعمت خود استعمال نعمت است به صورتی که کفران نعمت موجب عذاب شدید می‌شود و از نکاتی که اشاره کرده با شکر نعمت نعمت افزون می‌شود. رابطه میان شکر و فزونی نعمت در این است که هر وقت انسان نعمت خدا را درست و در همان هدف واقعی صرف کند عملاً ثابت کرده که فرد شایسته و لایقی است که به این که به این سبب فیض بیشتر و افزون‌تر می‌برد.

اصل قناعت در مصرف: واژه قناعت از ریشه (ق_ن_ع) است و راغب می‌نویسد = قناعت یعنی به اندک اکتفا کرده‌اند و راضی بودن از امور گذرنده دنیوی. قَنَعَ یعنی راضی شدن و قَنَعَ یعنی درخواست.^۱

«وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُم مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

قربانی کردن شترهای چاق و چله را برایتان جزو نشانه‌های بندگی در نظر گرفتیم. قربانی کردنشان خیلی خیر برایتان دارد. هنگام نحرشان و وقتی هنوز ایستاده‌اند، نام خدا را ببرید. وقتی به پهلو افتادند و سرشان را بریدید، هم خودتان از گوشتشان بخورید و هم به فقیران آبرومند و گدایان نیازمند بدهید. حیوانات را این‌طور رام شما کردیم تا شکر کنید.

در تفاوت قانع و معتر آمده: قانع به کسی می‌گویند که چیزی به او بدهی راضی باشد و قناعت کند و اعتراض هم نکند ولی معتر کسی است که وقتی به سراغ تو آید و چیزی از تو بگیرد راضی نشود و اعتراض کند.^۲

۳-۲-۸ پرداخت خمس

گسترده‌ترین مالیات شهری از منظر شیعیان خمس هست. به این دلیل که تمام دارایی‌های مسلمانان را دربر می‌گیرد، و این که مقدار مالیات نیز ۲۰ درصد تعیین شده و قابل قیاس با زکات نیست. در بحث خمس تنها در یک ایه به وضوح آمده است «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

^۱ حج/۳۶.

^۲ فضل بن حسن طبرسی و مجمع‌البیان لعلوم القرآن پیشین جلد ۷ صفحه ۱۳۷.

مسلمانان! بدانید هر درآمدی که به دست می آورید، باید یک پنجمش را به این شش گروه بدهید: خدا، پیامبر، امامان معصوم، سادات یتیم فقیر، سادات نیازمند و سادات در راه مانده؛* البته اگر واقعاً خدا و آیه‌هایی را باور کنید که در این باره بر بنده خود، محمد، در جنگ بدر فرستادیم؛ همان روز جدایی حق از باطل و روز رویارویی سپاه اسلام و کفر. خدا از عهده هر کاری برمی آید.^۱

این آیه در ضمن آیات مربوط به جنگ آمده و یقیناً برای غنائم جنگی می باشد ولی فقیهان و مفسران شیعه آن را مربوط به کلیه فوائد و غنائم کار و زندگی دانسته است.

۳-۲-۹ پرداخت زکات و کفارات شرعی

یک نوع دیگری از مالیات شرعی است، که به نظر بیشتر مفسران و اندیشمندان شیعه بر برخی از دارایی و ثروت اشخاص وضع شده است و به نظر تمامی اهل اسلام برای پاک کردن اموال مؤدیان تشریع شده که در قرآن بیش از ۳۰ بار با واژه زکات و چند بار در قالب واژه صدقه و انفاق یادآوری شده است و از نظر اهمیت به صورتی است که بیش از ۲۵ بار بحث همراه نماز آمده است.

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ»^۲

با آنکه فقط دستور داشتند خدا را از ته دل بپرستند، حق طلب باشند، نماز را با آدابش بخوانند و صدقه بدهند. همین‌ها برنامه درست زندگی است دیگر!

و آیات متعددی (= از جمله آیه ۱۰ سوره نساء _ مائده ۱۲ _ مریم ۵۵ و ۳۱ _ فصلت ۷ و ۶)، از دیگر اهمیت‌هایی که زکات در قرآن آمده است قرار گرفتن آن با رباست.

«وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»^۳

آنچه به طمع عوضی بیشتر یا برای راه افتادن کارتان به مردم می‌دهید، از نظر خدا ارزشی ندارد؛ ولی صدقه‌هایی که برای رضای خدا می‌دهید، ارزشمند است. چنین کسانی از درون رشد می‌کنند. در قوانین اسلام برای جبران بعضی از خسارت‌های مادی و معنوی جرمه‌هایی مدنظر گرفته شده است که این جرمه‌ها عمدتاً مربوط به مسائل عبادی است. در آیات ۱۹۶ سوره بقره و ۹۵ سوره مائده در مورد نقض برخی اعمال و مناسک حج آمده است یا در آیه ۹۲ سوره نساء جرمه‌ی آزادی برده‌ای مؤمن در نظر گرفته شده است. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم

^۱ انفال/۴۱.

^۲ بینه/۵.

^۳ روم/۳۹.

مِيثَاقٌ فَدْيَةٌ مُسْلَمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»

هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگری را بکشد؛ مگر آنکه از روی اشتباه باشد. حال، هر کس مسلمانی را به اشتباه کشت، باید بردهٔ مسلمانی را آزاد کند و به خانوادهٔ مقتول خون بها بپردازد؛ مگر اینکه آن ها خون بها را ببخشند.

اگر مقتول اهل کشوری باشد که دشمن شما مسلمانان اند، ولی خودش مسلمان بوده، آزاد کردن یک بردهٔ مسلمان کافی است؛ اما اگر مقتول اهل کشوری باشد که با کشور شما پیمان صلح بسته اند، پرداخت خون بها به خانوادهٔ مقتول و آزاد کردن یک بردهٔ مسلمان، هر دو، لازم است. هر که نمی تواند بنده آزاد کند، به جایش دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد. این تخفیفی از طرف خداست و خدا دانایی کار درست است.^۱

مسلمانانی به نام (عیاش بن ابی ربیع) که سال ها در مکه به دست حارث شکنجه شده بود روزی پس از هجرت مسلمانان به مدینه حارث را در مدینه دید و بی خبر از مسلمان شدنش او را به عنوان کافر شکنجه گر کشت خبر به پیامبر دادند و این آیه نازل شد پرداخت دیه آثاری دارد:

الف: مرهمی برای بازماندگان مقتول است

ب: جلوگیری از بی مبالاتی مردم است تا نگویند قتل خطایی بها ندارد

ج: احترام به جان افراد و امنیت اجتماعی است

د: جبران خطاهای اقتصادی است که در اثر قتل پیدا می شود در جایی که بستگان مقتول از دشمنان مسلمانان باشند و خون بهایی به آنان داده نمی شود تا بنیه مالی دشمن اسلام تقویت نشود به علاوه اسلام ارتباط مقتول مؤمن با خانواده کافورش را بریده است پس جایی برای جبران نیست.

امام صادق علیه السلام فرمودند: (آزاد کردن برده پرداخت حق خدا و دیه دادند پرداخت حق اولیای مقتول است یک دیه و خون بهای کامل به اندازه ی متوسط درآمد ۱ فرد عادی است یک هزار مثقال طلا یا ۱۰۰ شتر و یا ۲۰۰ گاو).

نتیجه گیری

^۱ تفسیر نور، قرائتی-محسن، جلد ۲، صفحه ۱۳۰، تهران مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳، چاپ یازدهم.

واژه «اقتصاد» از ماده «قصد» به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بوده و در معانی مرتبط دیگری چون عدل و میانه‌روی، حد وسط میان اسراف و تقتیر، استقامت و پایداری در مسیر نیز به کار رفته است. اما اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی است که به عنوان بستر و زیربنای نظام اقتصادی تلقی شده و غایاتی که دین در زمینه اقتصاد برای انسان ترسیم کرده است و فعالیت‌های فردی و اجتماعی مربوط به تولید، توزیع و مصرف را اقتصاد گویند. در این میان دین مبین اسلام دیدگاه خاص و ویژه‌ای به مقوله اقتصاد دارد که از آن تعبیر به اقتصاد اسلامی می‌شود.

با توجه به پرسش‌های اصلی و فرعی این تحقیق و فرضیه‌های مقدماتی بیان شده، در بیان نتایج مهم این پژوهش، این گونه می‌توان گفت:

۱- قرآن کریم، تأثیر اصول اعتقادی نظیر: خداباوری، اعتقاد به عدالت، معاد، سنت‌های الهی و رزاقیت خدا، بر کنش‌ها و رفتارهای اقتصادی را مورد تأکید قرار داده و از این اصول راهکارهایی ویژه و اجرایی برای رفع مشکلات اقتصادی طراحی می‌نماید.

۲- علاوه بر این موارد در حوزه اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی نیز به طور گسترده راهکارهای ارزشی و عملیاتی ارائه داده است که مهم‌ترین آن‌ها از این قرارند:

نظارت مستمر رهبران صالح، میانه‌روی و قناعت و پرهیز از اسراف، پرهیز از روحیه تجاوزگری و قانون‌گریزی، تقویت روحیه انفاق و احسان، گردش سالم ثروت و ترک رباخواری، اعتماد به منابع داخلی و قطع واردات، شکر همه جانبه و دوری از کفران نعمت، پرداخت خمس، پرداخت زکات و کفارات شرعی.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱- امین، نصرت‌یگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ۱۵ جلد، [بی‌نا] - [بی‌جا] - [بی‌جا]، چاپ: ۱.

۲- اصلاحی، عبد العظیم، مبادی النظام الاقتصادي الاسلامی

۳- برگرفته از درس تفسیر معظم له در سال تحصیلی ۷۸-۷۹.

۴- برگرفته از رساله دکتری حجت روح الهی، اصول کلی حاکم بر اقتصاد از منظر قرآن کریم.

۵- تقضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی.

۶- جعفر انصاری، معرفت ۱۳۸۲ شماره ۶۶.

۷- جمال‌الدین محمد بن منظور

۸- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح.

- ۹- روزنامه کیهان، تاریخ انتشار ۲۲ فروردین ۱۳۹۵، کد خبری ۵۵۴۸۷۹، فرهنگ هنر.
- ۱۰- زمخشری، محمود بن محمد، الکشاف.
- ۱۱- صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا.
- ۱۲- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۱ هـ.ق.
- ۱۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان.
- ۱۴- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی علوم القرآن
- ۱۵- قرائتی_محسن، تفسیر نور، تهران مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳، چاپ یازدهم.
- ۱۶- کرسی علمی ترویجی الگوی پیشرفت اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی توسط مرکز مطالعات پیشرفت و تمدن پژوهشگاه، روز چهارشنبه مورخ ۲۳ بهمن ماه ۹۸.
- ۱۷- لویس فیهیر، خودآموز اقتصاد
- ۱۸- مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم، نویسنده: جعفر انصاری، معرفت ۱۳۸۲ شماره ۶۶.
- ۱۹- محمدتقی مصباح، آموزش عقاید، سازمان تبلیغات اسلامی معاونت فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۲۰- مکارم شیرازی، نمونه.
- ۲۱- مصطفوی، حسن، التحقیق.
- ۲۲- هادوی، مهدوی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام.

کتاب عربی:

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب